



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

وسيلة الخادم الى المخدم

در شرح صلوات

چهارده معصوم عليهم السلام

فضل الله بن روز بهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وسيلة الخادم الى المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم عليهم السلام قسمت مربوط به امام صادق عليه السلام

نویسنده:

فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی

ناشر چاپی:

انصاریان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵ فهرست
۶ وسیله الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم علیهم السلام
۶ مشخصات کتاب
۶ در صلوات بر حضرت امام جعفر صادق
۱۰ پاورقی
۱۱ درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

وسيلة الخادم الى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم عليهم السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: فضل‌الله بن روزبهان، ۸۶۰؟ - ۹۲۵؟ ق
 عنوان قراردادى: [وسيلة الخادم الى المخدم (اردو)]
 عنوان و نام پدیدآور: وسیله الخادم الى المخدم در شرح صلوات چهارده معصوم / مولف فضل‌الله بن روزبهان خنجی اصفهانی؛
 مترجم نثاراحمد زین پوری؛ به کوشش رسول جعفریان
 مشخصات نشر: قم: موسسه انصاریان، ۱۴۱۷ق. = ۱۳۷۵.
 مشخصات ظاهری: ۳۲۷ ص.
 شابک: چاپ دوم: ۲-۱۵۱-۲۱۹-۹۶۴-۹۷۸
 وضعیت فهرست نویسی: فیپا
 یادداشت: اردو
 یادداشت: چاپ دوم: ۱۳۸۹ (فیپا).
 یادداشت: عنوان دیگر: چهارده معصوم ص.
 یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۰ - ۱۸؛ همچنین به صورت زیرنویس
 عنوان دیگر: چهارده معصوم ص.
 عنوان دیگر: در شرح صلوات چهارده معصوم
 عنوان دیگر: وسیله الخادم الى المخدم. اردو
 موضوع: صلوات
 موضوع: چهارده معصوم
 شناسه افزوده: زین پور، نثاراحمد، مترجم
 شناسه افزوده: جعفریان، رسول، ۱۳۴۳ -، مصحح
 رده بندى کنگره: BP۲۶۶/ف۵۶ و ۵۰۴۶ ۱۳۷۵
 رده بندى دیویی: ۲۹۷/۷۷
 شماره کتابشناسی ملی: م ۷۶-۵۶۱۲

در صلوات بر حضرت امام جعفر صادق

اللهم صل و سلم على الامام السادس و درود و صلوات ده و سلام فرست بر ششم امام. از این جا شروع در صلوات است «بر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام». [۱] بعد از پدر خود امام محمدباقر علیه السلام امام شده و برادر بزرگ آن حضرت، بعد از امام محمدباقر علیه السلام دعوی امامت می کرده و مردم را به متابعت خود دعوت می نموده. یک روز امام جعفر در خانه خود آتشی روشن کرده و کسی را فرستاده نزد برادر او را طلب نموده؛ چون برادر آمده آن حضرت سخنی می فرموده و بسیاری از اکابر شیعه حاضر بوده‌اند. آن حضرت برادر را نشانیده و خود برخاسته و در میان آتش در رفته، و ساعتی در آنجا نشسته و سخن فرموده و ارشاد و نصیحت کرده و اصلاً آتش در او اثر نکرده و هیچ جامه و رخت او نسوخته؛ چه جای آن که در بدن مبارک او اثر کند.

بعد از آن بیرون فرموده و با برادر گفته: برخیز و همچو من در آتش نشین، اگر راست می‌گوئی «که وصی پدر خودی منصب امامت یافته‌ای» [۲]! برادر چون حال دیده برخاسته و ردا بر زمین کشیده و بیرون رفته و بعد از آن ترک دعوی امامت کرده؛ [صفحه ۱۹۶] و امامت حضرت امام جعفر بر همگان ظاهر شده. المقرب السابق المؤدب الموافق [۳]. آن حضرت نزدیک گردانیده شده‌ی به حضرت حق سبحانه و تعالی است و سابق است در اعمال صالحه. و این اشارت است بدان که آن حضرت از مقربان حق تعالی و از سابقان است. و آن حضرت تأدیب کرده شده به آداب الهی است. چنانچه حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که، أدبى ربى فأحسن تأدیبى؛ [۴] یعنی تأدیب من و تعلیم آداب من حق تعالی فرموده، پس نیکو تعلیم فرموده مرا؛ و این اشارت است بدان که ادب ائمه کرام از تأدیبات و تعلیمات الهی است و آن حضرت موافق است با حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در اخلاق حمیده و اعمال پسندیده. این اشارت است به متابعت سنت و طریقه که آن حضرت را بوده. و المغیث للملهوفین عند الطوارق و آن حضرت فریاد رسنده و یاری کننده‌ی ضعیفان و عاجزان است نزد حوادث و بلیات که بر ایشان نازل شود. و این اشارت است به رحم و عطوفت آن حضرت بر عاجزان؛ چنانچه روایت کرده‌اند که هر کس را حادثه یا فقری پیش آمدی در مدینه، پناه به جوار لطف و احسان آن حضرت نمودی و از خوان نوال و افضال آن حضرت بهره‌ی وافى یافتی؛ چنانچه شیوه‌ی کریمه‌ی اهل البیت بوده علیهم السلام. الملتجى بحرز الله عند نزول کل طارق و آن حضرت التجا برنده است به حرز و حفظ الله تعالی نزد فرود آمدن هر بلایی [۵] که در آید. و این اشارت است بدان که آن حضرت در واقعه‌ی قصد ابوجعفر دوانیقی، پناه به حرز [صفحه ۱۹۷] الهی برد، و بر آن دشمن غدار که قصد آن حضرت کرده بود غالب و فائق آمد؛ چنانچه روایت کرده‌اند از ربیع که حاجب ابوجعفر منصور دوانیقی عباسی بود که او گفت: روزی منصور دوانیقی «صبح برخاست و در غایت قهر غضب و شرارت نفس بود و منصور دوانیقی» [۶] پادشاهی بسیار قهار بی‌زهار متسلط جبار بوده و نزد او بعضی مفسدان افساد کرده بوده‌اند که حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام می‌خواهد که بر تو خروج کند و مردم عراق با او موافق‌اند. ربیع گفت: صباح آن شب که این افساد کرده بودند، چون بر مسند نشست با من گفت: برو و جعفر بن محمد را حاضر گردان؛ خدای بکشد مرا که من او را نکشم، من بسیار حضرت امام را دوست می‌داشتم و سخت اندیشه افتادم که مبادا از شر آن ظالم غیشوم آن حضرت را مضرتی برسد. بیرون رفتم و به خدمت حضرت امام آمدم و آن شرح باز گفتم و با آن حضرت گفتم: من سخت بر تو می‌ترسم از شر این ظالم که او چنین سوگندی خورده و قصد تو دارد و ندانم که تو چگونه از او خلاص شوی. آن حضرت فرمود: هیچ اندیشه مکن که خدای تعالی مرا از شر او نگاه دارد و مضرت او ان شاء الله به من نرسد. پس برخاست و همراه من متوجه‌ی خانه‌ی ابوجعفر دوانیقی شد. چون به در خانه مقابل او رسید، دیدم که لبهای مبارک او می‌جنبید و چیزی می‌خواند. چون دوانیقی آن حضرت را بدید رنگ روی او زرد شده و ترسان و لرزان برخاست و آن حضرت را استقبال کرد و با آن حضرت معانقه نمود و نهایت تعظیم و توقیر به جای آورد و چون آن حضرت بنشست؛ گفت: خوش آمد ابو عبدالله! بریء الساحة از آن چه نیست بدو می‌کنند. بعد از آن فرمود که طشتی از بوی خوش حاضر کردند و غالیه [۷] و عبیر از آن طشت برمی‌داشت و بر او و محاسن حضرت امام علیه‌السلام می‌مالید تا تمامی محاسن آن حضرت را در بوی خوش گرفت [۸] بعد از آن گفت: چه حاجت داری ای [صفحه ۱۹۸] ابو عبدالله! حضرت امام فرمود: حاجت من آن است که دیگر مرا طلب نکنی. گفت: چنین کنم و هر چه مراد و حاجت تو باشد آن را بر آورم، برخیز و به سلامت به خانه‌ی خود باز گرد. حضرت امام برخواست و بیرون رفت. فرمود: [۹] ابوجعفر جامه‌ی خواب طلب کرد و در آن رفت و چندان خواب کرد که چهار نماز از او فوت شد. بعد از آن بیدار شد و با من گفت: ای ربیع! آب بیار تا طهارت کنم و نماز بگذارم و بعد از آن حکایت حال خود با تو باز گویم. من برخاستم و آب آوردم و وضو ساخت نمازها را قضا کرد؛ بعد از آن گفت: چون جعفر بن محمد در آمده من عزم جزم کرده بودم که فی الحال او را ببینم به قتل آورم. دیدم که بر سر دوش او ازدهای به غایت بزرگ مهیب که آتش از دهن او بیرون می‌آمد دهن گشاده بود گفت با من: اگر قصد او کنی تو را با تمام خانه فرو برم.

من از مهابت آن حال بیهوش خواستم شدن، او را در بغل گرفتم و تعظیم کردم و باز گردانیدم و خود بیهوش افتادم تا امروز دیگر با او مرا هیچ کاری نیست. ربیع گفت: من چون این شنیدم به خدمت حضرت امام علیه السلام آمدم و این حکایت باز گفتم و گفتم نفس من فدای تو باد؛ آن زمان که در آمدی چه چیز می خواندی که خدای تعالی تو را از شر او نگاه داشت، و حرز مشهور آن حضرت که مشهور است به حرز امام جعفر بر من املا فرمود و آن حرزی است مشهور و اول او این است: ماشاء الله توجهها الى الله، «ماشاء الله تقربا الى الله» [۱۰] ماشاء الله تلطفا الى الله، ماشاء الله لا حول و لا قوة الا بالله و بحمدالله تعالی این فقیر ضعیف آن را یاد دارم و از اوراد فقیر است که سالها است که بدان مواظب می نمایم و تمام عمر در پناه آن حرز بحمدالله و حوله و قوته از شر اعدا مصون و محروم ان شاء الله تعالی. و چون آن حرز بسیار مشهور است و طولی دارد در این مقام مذکور نشد؛ ان شاء الله هر کس که بدان مواظبت نماید [صفحه ۱۹۹] یقین که از شر «آفات» [۱۱] انس و جن، در پناه حق تعالی خواهد بود. الذی بین الحق و الباطل فارق آن حضرت، آن کسی است که میان حق و راستی و باطل و دروغ فرق کننده است. و این اشارت است بدان که در اصول و فروع دین آن حضرت فرق میان حق و باطل فرموده و قواعد ملت و مذهب را بر حق [و] راستی نهاده و باطل را از صحایف دین پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم محو فرموده چنان چه از آثار معارف آن حضرت ظاهر است. حجة الله القائمة علی کل زندیق و منافق و آن حضرت حجت و برهان حق تعالی است «که قائم شده بر هر ملحدی که نفی صانع کند و بر هر منافق. و این اشارت است بدان حجت» [۱۲] و برهان در اثبات صانع و توحید که آن حضرت اقامت فرموده؛ چنان چه روایت کرده که در زمان آن حضرت زندیقان و ملحدان که نفی وجود صانع عالم می کنند بسیار پیدا شده بودند و در نفی صانع مبالغات می کردند و نزد آن حضرت می رفتند و حجت جویی می کردند و آن حضرت حجت های غریب در غایت احکام و برهان های بدیع در نهایت اتفاق [۱۳] بر اثبات صانع قدیم می کرده و ایشان را الزام می فرموده و به دین اسلام در می آورده؛ و ما بعضی از آن را یاد کنیم: روایت کرده اند که یکی از زندیقان در مجلس آن حضرت به او فرمود: تو چه پیشه و حرفت داری؟ گفت من تاجریم. گفت هرگز به دریا نشسته [ای] «در کشتی»؟ [۱۴] گفت: بلی؛ گفت: هرگز طوفان دیده؟ گفت: بلی، در بعضی اوقات بادهای سخت آمد و کشتی بشکست و ملاحان تمامی غرق شدند من لوحی از کشتی در دست گرفتم، آن لوح هم از دست من برفت و در میان تلاطم امواج افتادم، ناگاه به ساحل رسیدم و نجات یافتم. حضرت امام فرمود که، چون به دریا می نشستی اعتماد تو بر کشتی [صفحه ۲۰۰] و ملاحان بود؛ چون کشتی بشکست ملاحان هلاک شدند اعتماد بدان لوح داشتی، چون لوح از دست تو بیرون رفت با من راست بگویی! آیا نفس را به هلاک تسلیم کردی یا نفس تو را امید خلاصی و نجات بود؟ زندیق گفت: بلی در نفس من امید نجات بود. [امام] فرمود: امید نجات به چه کسی داشتی؟ زندیق ساکت «و حیران» [۱۵] شد! فرمود: آن کس [۱۶] صانع عالم و خدای تست که در آن وقت بدو امید داشتی و تو را از غرق نجات فرمود و به سلامت به ساحل رسانید. زندیق اعتراف به وجود صانع کرد و به اسلام در آمد. و این دلیل را آن حضرت از قرآن فرا گرفته آنجا می فرماید «فاذا رکبوا فی الفلک دعوا الله مخلصین له الدین» [۱۷] الایة و این دلیلی است در غایت احکام که اگر عاقل درو نیکو تدبیر نماید، خوب [۱۸] صانع عالم نزد عقل او صریح و ظاهر گردد، چنانچه او را در آن به هیچ نوع شک و ارتیاب نماند. دیگر روایت کرده اند که، نوبتی دیگر دلیل بر وجود صانع از آن حضرت سؤال کردند. فرمود: قوی ترین دلایل بر وجود صانع وجود من است. زیرا که وجود من پیدا شد بعد از آن که نبود. پس البته کسی باید که او را پیدا کرده باشد. زیرا که هر چیزی که پیدا شود بعد از آن که نبوده باشد، لابد باشد او را از پیدا کننده؛ و این حکم به ضرورت عقل ثابت است که درو به هیچ وجه ترددی نیست و محال است که من خود وجود خود را پیدا کرده باشم. «یا در وقت عدم»، [۱۹] ، اگر گویی در وقت «وجود پیدا کرده ام» [۲۰] وجود خود را، پس من پیش از آن که موجود شوم موجود بوده باشم و حال آن که فرض کرده ایم که من موجود نیستم موجود باشد. و این در بدیهه عقل محال است. پس این دلالت کرد بر آن که صانع وجود من غیر وجود من است و آن صانع عالم است زیرا که همین حکم [که] در من جاری است در جمیع اجزاء عالم جاری است. و این هم

دلیلی است در غایت احکام؛ و آن حضرت این دلیل را هم از قرآن [صفحه ۲۰۱] می‌فرماید آن جا که فرموده «أم خلقوا من غیر شیء أم هم الخالقون» [۲۱] و امثال این بسیار است و اگر تفصیل کنیم این مختصر برنتابد. المعتصم بحول الله و قوته فی قتل کل خارجی مارق آن حضرت اعتصام بسته به حول خدا و قوت او در کشتن هر خارجی که از دین بیرون بسته. و این اشارت است بدان چه روایت کرده‌اند که نوبتی یکی از خوارج نزد مهدی عباسی، [۲۲] غیبت آن حضرت کرد و با مهدی گفت که جعفر بن محمد داعیه خروج دارد؛ کتابت به اهل کوفه نوشته و با او بیعت کرده‌اند. مهدی گفت: تو در مقابل او این سخن را درست می‌کنی؟ گفت: بلی درست می‌کنم، و سوگند بر آن می‌خورم. مهدی عباسی حضرت امام جعفر علیه‌السلام را حاضر گردانید و آن خارجی را در مقابل آورد و خارجی در حضور حضرت امام آن تهمت را تکرار کرد و در آن مبالغه و اصرار نمود. حضرت امام فرمود: سوگند می‌خوری که این سخن راست است؟ خارجی گفت: بلی! حضرت امام فرمود: بدان نوع که من سوگند می‌دهم تو را، سوگند یاد کن. پس فرمود: بگو از حول و قوت حضرت حق سبحانه و تعالی بیرون آمدم و به حول و قوت خود رفتم اگر این سخن که می‌گویم دروغ است؛ آن خارجی به همین عبارت سوگند یاد کرد. فی الحال بیفتاد و به دوزخ رسید و جان را به مالکان دوزخ سپرد و مهدی بفرمود تا پای مردار آن خارجی بکشیدند و بیرون بردند؛ و عذر خواهی حضرت امام کرد و او را روانه گردانید و چنین اثری غریب و کرامتی عجیب از آن حضرت ظاهر شد. المطلاع علی أسرار الغیوب بتعلیم الله الخالق آن حضرت مطلع و آگاه است بر پوشیده‌های غیبی به تعلیم خداوند آفریننده. [صفحه ۲۰۲] و این اشارت است به اطلاع آن حضرت بر اسرار غیبی که ائمه هدی را بوده به الهام و تعلیم الهی؛ چنان چه روایت کرده‌اند که یکی از محبان امام جعفر علیه‌السلام گفت: من در بغداد بودم و منصور خلیفه عباسی یراق کرده بود که به حج برود. من به مکه آمدم و با حضرت امام حکایت کردم که منصور خلیفه، امسال داعیه‌ی حج دارد. آن حضرت فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند. چون موسم حج شد، منصور به عزم حج از بغداد بیرون آمد. «چون از بغداد روانه شد» [۲۳] من به خدمت حضرت امام رفتم و گفتم: منصور از بغداد بیرون آمد «ه این است». [۲۴] فرمود: منصور کعبه را نمی‌بیند. چون به مدینه رسید رفتم و دیگر بار تکرار کردم. همان سخن فرمود. چون از مدینه بیرون آمد و متوجه مکه شد و نزدیک مکه رسید مرا شکی پیدا شد؛ چون به محل رسید که آن را چاه میمون می‌گویند و تا مکه یک دو فرسخ است شب در آن جا وفات کرد. صباح برخاستم و با خلاق به استقبال منصور رفتم و خاطر من ترددی بسیار در امام پیدا کرده بود. مردمان پی آمدند و خبر می‌دادند که منصور دیشب وفات کرد. من باز گشتم و آن خبر با حضرت امام بگفتم و درخواستم کردم که جهت من استغفار کند. چون آن حضرت بر دوستان خود عطف و شفق و مهربان بود، جهت من استغفار فرمود. العطف علی کل محبوب مصادق [۲۵]. آن حضرت به غایت مهربان بوده به هر دوستی که مصادقت آن حضرت اختیار کرده. و این اشارت است بدان چه روایت کرده‌اند که آن حضرت شمل شیعه‌ی اهل بیت را جمع فرمود [و] جهت ایشان مجلس درس [۲۶] و علم پیدا کرد و قبل از آن حضرت هرگز جماعت موالیان اهل بیت چنان نبوده‌اند که در زمان آن حضرت ایشان را جمعیت بوده. اَبی عبدالله جعفر بن محمد الصادق السید الزکی الصالح کنیت آن حضرت ابو عبدالله است و آن حضرت را اولاد بسیار بوده و بزرگترین [صفحه ۲۰۳] ایشان اسماعیل است که جماعت اسماعیلیه که خلفای مصر بوده‌اند خود را بدو نسبت کنند و آن جماعت برانند که امام بعد از جعفر، اسماعیل است شخصی بود او را عبدالله بن میمون قداح می‌گفته‌اند و او مردم را دعوت به امامت اسماعیل می‌کرده و حضرت امام جعفر علیه‌السلام از اسماعیل راضی نبوده و اسماعیل در حال حیات حضرت امام جعفر علیه‌السلام وفات کرده، در موضعی که از مواضع مدینه، که آن را عریض خوانند و نعش او را به مدینه آورده‌اند. و جماعت اسماعیلیه برانند که او پنهان شده و وفات نکرده و سخن در این ابو [اب] بسیار است. و از جمله اولاد آن حضرت موسی کاظم علیه‌السلام است که بعد از آن حضرت امام به حق بوده نزد امامیه؛ و لقب مبارک آن حضرت، جعفر صادق است از کمال صدقی که آن حضرت داشته و آن حضرت را سید و زکی و صالح هم از القاب است که ائمه را تمامی لقب و وصف بوده؛ زیرا که امام بزرگ امت است و پاکیزه است از عیوب و بنده‌ی

صالح حق تعالى است. صاحب السمع السميع من الله البديع، المقبور مع ابويه و عمه بالبقیع آن حضرت صاحب گوش شنونده است از خدای تعالى آفریننده و پیدا کننده‌ی مخلوقات. و این اشارت است به گوش شنوای آن حضرت در آن چه از پدران خود شنیده و یاد گرفته و نکات و دقائق تفسیر کلام الله و حقایق علوم و معارف که آن حضرت یاد گرفته و از پدران شنیده و به امت رسانیده؛ چنان چه هیچ یک از ائمه، آن مقدار نشر علوم سمعیه نکرده‌اند که آن حضرت فرمود. و این میراث از حضرت جد خود امیرالمؤمنین علیه السلام یافته؛ چنان چه روایت کرده‌اند که چون این آیه نازل شد «و تعیها اذن واعیه» حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: من از خدا درخواست کردم که گوش تو را از آن گرداند که هر چه بشنوی یاد گیری. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود که، من هرگز بعد از آن هیچ فراموش نکردم. و وفات حضرت امام جعفر در مدینه بود و سن مبارک آن حضرت به قول اصح [صفحه ۲۰۴] شصت و پنج بود و ولادت آن حضرت در مدینه بود، در هفدهم ربیع الاول سنه ثلاث و ثمانین از هجرت؛ و وفات در نصف رجب؛ و بعضی گویند در نصف شوال سنه ثمان و اربعین و مائه از هجرت؛ و قبر مبارک آن حضرت در قبر عم بزرگوارش امیرالمؤمنین حسن؛ و جد و پدرش است و تمامی در یک قبر مدفونند در قبه‌ی بقیع، چنان چه به کرات مذکور شد. اللهم صل علی سیدنا محمد و آل سیدنا محمد سیما الامام السادس [۲۷] جعفر الصادق علیه السلام

پاورقی

- [۱] از «غ».
- [۲] از «غ».
- [۳] در «غ»: الفوائق.
- [۴] بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.
- [۵] در «غ»: بلیاتی.
- [۶] از «م» افتاده.
- [۷] بوی خوش مرکب از مشک و عنبر و جز آن به رنگ سیاه که موی را بدان خضاب کنند. (معین).
- [۸] نک: کشف الغمه، ج ۲ ص ۱۵۹.
- [۹] ظاهراً عبارت باید چنین باشد: ربیع گفت: [
- [۱۰] از «غ» افتاده.
- [۱۱] از «غ».
- [۱۲] از «غ» افتاده.
- [۱۳] چنین است در هر دو نسخه. شاید: اتقان.
- [۱۴] از «م».
- [۱۵] از «م».
- [۱۶] در اصل: آن کس که.
- [۱۷] عنكبوت (۲۹) ۶۵.
- [۱۸] در اصل: و خوب.
- [۱۹] از «م».

[۲۰] از «م».

[۲۱] طور (۵۲) ۳۵.

[۲۲] در کشف الغمه، ج ۲ ص ۱۶۸ همین روایت آمده اما به جای مهدی، از منصور یاد شده و البته روایت کشف الغمه درست است.

[۲۳] از «م».

[۲۴] از «م».

[۲۵] در (غ): محواب مصارف!!

[۲۶] در اصل: مدرس!.

[۲۷] در هر دو نسخه: السابق.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه
 ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...
 د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
 و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)
 ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
 ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
 ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال
 دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان
 تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:
www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور
 کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی
 جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل
 و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق
 روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱
 به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده
 است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار
 شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،
 هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی
 اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از
 پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال،
 خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

